

نگاهی به برنامه‌سازی‌های رسانه ملی
برای جام جهانی ۲۰۲۲ قطر

پاس گل رسانه ملی برای خاطره‌سازی فوتبالی

آغاز اکران فیلم «بخارست» در سینماها

در پی درخواست‌های مکرر سینماداران برای اکران یک فیلم با ظرفیت بالای فروش و جذب مخاطب به منظور عبور از شرایط به شدت بحران‌زده گیشه سینماها، بیستمین جلسه شورای صنفی نمایش در روز یکشنبه ۲۲ آبان در خانه سینما تشکیل و طی آن قرار شد...


از سریال تازه تلویزیون چه خبر؟
ابوالقاسم طالبی
با اژدهای هفت‌سر می‌آید



نگاه

گفت‌وگو با کارگردان مستند
«ملواتان تنها به دریا نمی‌روند»

رسم عاشقی همینه



درگذشت شاعر «کربلا منتظر ماست بیا تا برویم»

ابوالقاسم حسینیجانی، شاعر آیینی، نویسنده و مترجم درگذشت. حسینیجانی، باسروده «کربلا منتظر ماست بیا تا برویم» در ذهن ادیبات و خاطرات کشور ماندگار شده است...

سبک زندگی

خبرهای بد با روح و روان ما چه می‌کنند؟
**گاهی ندانستن
بهرتر است!**



گفت‌وگوی «جام‌جم» با کارگردان، تهیه‌کننده
و مخاطبان نمایش میدانی «جهان بانو»

روایت جذاب از بانوان تاثیرگذار تاریخ

گزارش

مسیری که بدون حجاب طی شد

از حجاب تاب‌بندوباری



برد و ۳۰ سال بعد با فیلم «روانی» با همان دوربین از داخل حمام فیلمبرداری کرد. مرحوم سید ابوالحسن طباطبایی، منتقد و مترجم سینمایی درباره نخستین پرده‌داری‌ها در تاریخ سینما می‌نویسد:

«... وقتی فیلم‌های اولیه صامت را می‌بینیم، دست زدن زن و مرد به هم و نزدیک شدن یا یک حالت پرهیز همراه بود، ولی به تدریج که به جلو می‌آیم، خصوصا از دهه ۷۰ وارد مسائل قبیحانه‌تری می‌شود. دوربین وارد اتاق خواب و حمام می‌شود که اینها در اوایل تاریخ سینما سابقه نداشته است. یکی از کسانی که این قوانین را می‌شکند، آلفرد هیچکاک بود که تا آن زمان هیچ‌کس مسأله حمام را به این صورت نشان نداده بود...»

دیوید لین نیز با فیلم «برخورد کوتاه» در سال ۱۹۴۵ اولین نشانه‌های روابط نامشروع را در سینمای آمریکا به نمایش درآورد، به طوری که در همان زمان مورد اعتراض نهادها و انجمن‌های حمایت از خانواده قرار گرفت و نمایش آن فیلم در خود آمریکا بسیار محدودگشت اما پس از آن، باب پرده‌داری و گستاخی در فیلم‌های آمریکایی باز شد و کار به جایی رسید، «درحالی‌که زمانی فیلمسازان در نمایش کوچک‌ترین صحنه غیراخلاقی محدودیت داشتند، برای اولین بار در فیلم «حق‌السکوت» (۱۹۳۰) به عنوان نخستین فیلم ناطق خود، دوربینش را به درون اتاق خواب

فیلم‌هایی که درباره مهاجران اولیه آمریکا یا زندگی آمریکاییان در قرون ۱۸ و ۱۹ و حتی اوایل قرن بیستم ساخته می‌شد، بنابر اسناد و تصاویر موجود، زنان را در آن فیلم‌ها با لباس‌هایی کاملاً پوشیده و دارای حجاب نسبی نشان می‌دهند. نگاهی به سریال‌هایی همچون «خانه کوچک» یا «قصه‌های جزیره» یا «پزشک دهکده» که بارها از شبکه‌های مختلف تلویزیون پخش شده‌اند، نشانگر چنین رویکردی بوده و هست. پس چه اتفاقی افتاد که آن فضای پوشیده و واجد روابط سالم و متعارف، اینک به چنین مجموعه متفاوت و آلوده‌ای بدل گشته که فقط نمونه‌های رسوایی آن که در این چند سال اخیر به شدت رسانه‌ای شده و از همه طرف و اکناف جامعه غرب سر برآورده، حکایت از یک فاجعه عمیق در جامعه بشری دارد. شاید با تحقیق و جست‌وجویی در دل تاریخ، بتوان به برخی از نقاط آغازین این تغییر و تطور رسید. مثلا آنجا که رقص مستحجنی به نام «کن‌کن» ابتدا در کافه‌های پاریس و مکانی به نام «مولن روژ» مطرح می‌شود. رقصی که به گونه‌ای زیرزمینی اجرا و تماشا می‌شد و هر بار نیز با یورش پلیس و بگیر و ببند و تعطیلی آن کافه‌ها به اتمام می‌رسید. بعد از این نوع رقص مستحجن به نام «کن‌کن فرانسوی» به خیابان‌ها و بارهای نیویورک و شیکاگو رسید و در آن شهرها با یورش‌های مداوم پلیس مواجه شد. این در حالی است که حتی در این نوع رقص‌ها نیز به طور عمد رقصنده‌ها هیچ‌گونه برهنگی نداشته و کاملاً پوشیده بودند و تنها موردی که این رقص‌ها را از ابتدال برخورد کرده بود، نوع حرکات و تظاهرات برهنگی بود.

محصولات رسانه‌ای آمریکا و هالیوود به چشم می‌خورد. اشاعه فساد و فحشا از جمله دیگر مقصد و مقصود هالیوود و بنیانگذارانش برای حاکمیت بر آمریکا و سایر نقاط جهان بود. آنها جامعه آمریکا را از یک جامعه اخلاقی و مذهبی در اوایل شکل‌گیری‌اش به کشوری بی بند و بار و ضد اخلاقی بدل ساختند. تا آنجا که فرانسیس فوکویاما، تئورسین برجسته آمریکایی در توصیف این نزول اخلاقی در کتابی با نام «پایان نظم» نوشته که سرمایه اجتماعی ایالات متحده دچار اضمحلال شگفت‌انگیزی شده است.

دکتر سید هاشم میرلوحی، محقق و مدرس دانشگاه درباره زندگی گذشته در ایالات متحده می‌گوید: «...تصاویری از کتب تاریخی آمریکا موجود است که زن‌ها به اندازه خودشان حجاب داشتند و سرشان، لباس‌شان و بدن‌شان پوشیده بود ولی بعدا یواش یواش، جهودان صهیونیست این وضعیت را ایجاد کردند. وقتی فیلم‌های هالیوود در ۸۰ سال قبل را نگاه می‌کنیم وضعیت به هیچ‌وجه این‌گونه نبود ولی به مرور جهودان وضعیت را به صورت امروزی درآوردند...»

اجرای نمایش‌های موزیکال در برداردی آغاز ماجرا بود. هم‌آغوشی‌های زن و مرد در میان جمع متوسل می‌شدند و آن را نوعی امتزاج روح انسان‌ها و تعالی یافتن آنها در کنار هم تفسیر می‌کردند.

صحنه‌ای در کتاب و فیلم «رمز داوینچی» نوشته دن براون و ساخته آن هاوراد وجود دارد که در آن، عموی «سوفی» یعنی شخصیت اصلی ماجرا به نام «سونیه» که وظیفه حفاظت و نگهداری از نسل عیسی مسیح را در خانقاه صهیون برعهده دارد، در دایره‌ای از یاران خود به صورت برهنه با زنی هم‌آغوشی انجام می‌دهد و افراد پیرامونی‌شان، نیز با خواندن ورد‌ها و آواهایی آنها را همراهی کرده، گویی که در یک مراسم بسیار والای عرفانی شرکت جسته‌اند.

به نظر می‌آید که این‌گونه آموزه‌های ضد اخلاقی و شبه دینی به همین صورت و از طریق فرقه‌های صهیونی مانند «فرانکیسم»، وارد فرهنگ آمریکایی شد و به تدریج سبک زندگی آمریکایی را از یک پوشش معمولی و سرپایی به یک برهنگی افراطی و روابط ناپهناج‌خدا خلاق سوق داد که اینک بیش از هر زمان در فیلم‌ها و سریال‌ها و



سیدمسئانی
مستندساز و
گزارش‌سینما

نگاهی به ریشه این‌گونه رفتارها و گسترش این دسته از به اصطلاح سرگرمی و هنر، نشان از یک عزم پنهان از دیرباز برای گسترش فرهنگ اباحه‌گری، بی بند و باری در جامعه غرب داشت. یکی از متون مستندی که می‌تواند در همین جهت، تئوری اساس تفکر غرب جدید و طراحی شکل و شمایل آن به شمار آید، متنی کهن به نام «پروتکل‌های دانشوران صهیون» است.

در پروتکل پنجم از متن این پروتکل‌ها آمده است: «ما جوانان را در دریایی از افکار شاعرانه غرق می‌کنیم و آنها را بر اساس تئوری‌ها و اصولی که غلط می‌پنداریم، تربیت می‌کنیم تا بتوانیم آنان را به فساد متقاعد کنیم. بدون آن‌که قوانین را از اساس عوض کنیم، آنها را به تعبیر و تفسیرهای متناقض تبدیل می‌کنیم...»

در اسناد و مکتوبات و تصاویر برجای مانده از نخستین مهاجران قاره آمریکا که از فرقه‌های منشعب از پروتستانیزم مانند «پیوریتن‌ها» و «کالوینیست‌ها» و «فرانکیست‌ها» بودند، شواهد و مستنداتی موجود است که نشان می‌دهد، «فرانکیست‌ها» برای مراسم آیینی خود به

یادداشت

علاقه به کم‌دی موقعیت

گاهی فرصت انتخاب از بازنگر گرفته می‌شود و چون بازنگر در یک فضا گسل می‌کند و مخاطب‌پسند می‌شود به ناگاه کلی نقش در همان حال و هوا به او پیشهاد شده و در این شرایط، این‌که بازنگر بتواند متفاوت بازی کند بسیار سخت‌تر است. من سابقه سال‌ها کار طنز دارم، ولی سعی کرده‌ام بین هر نقش با نقش بعدی، تفاوت و فاصله‌گذاری‌هایی قرار دهم که باعث شود مخاطب بفهمد شخصیت تازه‌ای را خلق کرده‌ام، چون قبل از همه خودم هستم که از تکراری شدن بیزارم. کم‌دی کار کردن چه تولید سریال و چه تولید برنامه کم‌دی به خصوص برای مخاطبان تلویزیون بسیار کار حساس و دقیقی است و باید با دقت و با تمرکز بالا انجام شود و از کارگردان و نویسنده تا بازنگر باید خیلی دقیق و هوشمندانه ایفای فعالیت کنند. در سال‌های اخیر پیشنهادهای کاری من بیشتر در حوزه سریال‌های طنز و کم‌دی بوده است، ولی اگر بنا به انتخاب بین یک کار جدی و کاری کم‌دی باشد، نقش جدی را انتخاب می‌کنم و علاقه‌ام به کم‌دی موقعیت است و چندان به کم‌دی کلامی و این‌که بخواهید به هر وسیله‌ای مخاطب را بختانید اعتقاد ندارم. این‌که برخی کارگردانان و نویسندگان، کم‌دی را با نوشتن دیالوگ‌های مملو از جوک و لطفیه اشتباه گرفته‌اند باعث کاهش مخاطب و اصلا پایین آمدن سطح نگاه به کم‌دی می‌شود، در حالی که کم‌دی یکی از جدی‌ترین گونه‌ها در تولید است. در تلویزیون در زمان‌های مختلف با سریال‌های کم‌دی خوش ساخت و جذابی روبه‌رو بوده‌ام که بعد از سال‌ها هنوز که هنوز است از شبکه‌هایی مثل آی‌فیلم بازپخش شده و باز هم مخاطب دارند. این‌که در تلویزیون فراوان سریال کم‌دی ساخته می‌شود ولی فقط برخی سریال‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد ناشی از همان جدی نگرفتن زائر کم‌دی است. در صورتی که اگر زائر کم‌دی را به طور حرفه‌ای دنبال کنیم به احتمالاً باز هم می‌توانیم مخاطب گسترده داشته باشیم، به جز این نباید فکر کرد چون فلاتی بازنگر کم‌دی است نمی‌تواند جدی کار کند و اتفاقاً بازنگر اگر می‌تواند شخصیت متمایز کم‌دی خلق کند قطعا می‌تواند شخصیت متمایز جدی را نیز نشان دهد. پس در انتخاب بازنگر و اهمه نداشته باشند و حرفه‌ای‌ها را به خدمت بگیرند.

برش

برش

مثل‌های عشقی

گسترش مثلث‌های عشقی و عشق‌های نامشروع که از روابط تازه و پنهانی سردمداران هالیوود ناشی می‌شد، خود در بافت جامعه سنتی آمریکا، تغییر و تحولات رفتاری چشمگیری پدید آورد. به نحوی که به تدریج نسل جوان از خانواده و پدران و مادران خویش فاصله می‌گرفت تا به سوی سبک زندگی جدیدی که هالیوودی‌ها تبلیغ می‌کردند، برود. سبکی که بی‌بندوباری اخلاقی، لالابالی‌گری و گستاخی رفتاری از ویژگی‌ها آن بود و در فیلم‌های مختلف به شدت رواج داده می‌شد. به این ترتیب اشراف بیود مهاجر یعنی همان مغولان هالیوود، راه دیگری برای القای اندیشه‌های صهیونی و مادی‌گرایانه خود به جامعه سنتی و خصوصا نسل جوان آن پیدا کردند. این‌که برای

روود به دنیای جدید و متمدن باید از افکار و رفتارها و اخلاقیات سنتی جدا شده و به عبارتی نسل گذشته را در همان آیین‌ها و سنت‌های قدیمی خود تنها بگذارد. این نوع نگرش از طریق فیلم‌هایی به درون جامعه راه یافت که به نوعی شکاف بین نسل‌ها را مطرح می‌کردند. این سیر نزول به طرف لالابالی‌گری و اباحه‌گری، آنچنان جامعه آمریکا را در آستانه سقوط قرار داد که نهادها و سازمان‌ها و انجمن‌های اجتماعی، شدیداً احساس خطر کرده و برآن شدند تا نسبت به این خطر سقوط اخلاقی واکنشی نشان دهند. از همین رو بود که از اوایل دهه ۹۰ همان سازمان‌ها و نهادها اجتماعی ناگزیر گشتند تا قوانین سخت‌تری برای درجه‌بندی سنی فیلم‌ها قائل شوند و به دنبال آن مجدداً نوعی خانواده‌گرایی در فیلم‌های هالیوودی باب شد اما به‌رغم این تغییر جهت، همچنان ترویج بی بند و باری و اخلاق ستیزی در فیلم‌های این کارخانه به اصطلاح رویاسازی، حرف اول را زده و می‌زند.